

وجود برهنه ای که فرهنگ سعی در تصاحب آن دارد

در حقیقت زن در اقوام و ملل عصر حاضر، وجود برهنه ای است که فرهنگ، سعی در تصاحب آن دارد و قدرت در بدن زنانه دخل و تصرف می‌کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، دکتر وحیده علی‌زاده؛ میرزایی پژوهشگر حوزه زنان و خانواده در یادداشتی نوشت: حجاب و پوشش در مفهوم عام آن همیشه ناظر بر شرم و حیا بوده است، این مقوله خصلتی انسانی داشته و تاریخ را برنمی‌تابد و شامل مرد و زن با هم است. همین خصلت انسانی، یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی است.

موضوع حجاب زنان و ناهنجاری در پوشش، وضعیتی اظهار شده است؛ یعنی وضعیتی است که گفته می‌شود وجود دارد و مردم درباره آن صحبت می‌کنند، رسانه‌های جمعی درباره آن بحث می‌کنند و نخبگان سیاسی و اجتماعی نیز آن را تحلیل می‌کنند. از آنجا که اختلال در حجاب و طرز پوشش، مغایر با ارزش‌های محوری جامعه مذهبی است، موجب جریحه‌رسانی دارد. دار شدن وجدان جمعی جامعه می‌شود، بنابراین به عنوان یک مسئله اجتماعی، ضروری است شناخته شود؛ زیرا شناخت مسئله در واقع پیمودن نیمی از راه برای حل آن است. مسئله حجاب از منظر شناختی در حوزه مطالعات و مسائل زنان قرار می‌گیرد. مسائل زنان یعنی اموری که به نوعی زنان از جهت فکری و عملی با آن درگیرند و در حوزه‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی تبیین می‌شود. هر چند مسائل زنان را جدا از مسائل مردان نمی‌توان شناسایی کرد، چراکه از یک سو فکر و اندیشه قانونگذاران و مجریان جامعه و از سوی دیگر طبقه زنان و سایر اقشار را به خود مشغول کرده است.

مهم‌ترین مسائل زنان، مسائل فرهنگی بوده که به لحاظ ساختاری دارای اهمیت خاصی است، زیرا همچنان که در بستری وسیع و با آهنگی کند ساخته می‌شوند، به همان کندی و بلکه کندتر تغییر می‌کنند. یکی از مسائل فرهنگی زنان موضوع نقش‌های زن و مرد و مقوله جنسیت است که دیدگاه‌های متفاوتی نیز در این خصوص مطرح است. یک نظریه عمده در این خصوص نظریات فمینیستی است، به طور نمونه فمینیست‌های «شباهت‌نگر» به دنبال ساختار شکنی برای مانند مرد شدن هستند و تا آنجا پیش رفته‌اند که حتی «مادرانگی» را نشانه انزوای اجتماعی و فرهنگی زنان می‌دانند و تفاوت مرد و زن را انکار می‌کنند و فمینیست‌های «تفاوت‌نگر» بر جدایی محض میان جهان زنانه و جهان مردانه تأکید می‌کنند و در پی ساختن جهانی مطلقاً زنانه هستند.

برآیند هر دو نگاه فمینیستی در عصر حاضر، ظهور زنان پرخاشگر است که به همه چیز دهن‌گرم می‌کند؛ کجی می‌کنند. در حقیقت زن در اقوام و ملل عصر حاضر، وجود برهنه ای است که فرهنگ، سعی در تصاحب آن دارد و قدرت در بدن زنانه دخل و تصرف می‌کند. در چنین فضایی با یکی از مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان به نام مسئله حجاب و پوشش بدن مواجهیم که در بستری از روابط اجتماعی و در عرصه‌های ارتباطات میان فردی شکل می‌گیرد. با نگاهی جامعه‌شناختی، در واقع حجاب در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که از یک سو ممکن است دارای شکل و قالبی متنوع و جوهر و محتوایی یکسان باشد و از منظر دیگر، حجاب به رسانه‌ای هویتی و ارتباطی است که نقش نمادینی در عرصه ارتباطات میان فردی دارد؛ بنابراین مسئله حجاب دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و دارای مؤلفه‌های مذهبی - معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری است که می‌توان از زوایا و منظرهای مختلفی به آن نگریست. از دیدگاه مفسران غربی، هیچ شکلی از لباس، مانند حجاب، این قدر موضوع مناقشه نبوده است. مسئله پوشش و حجاب، جایگاه ویژه‌ای در مباحث روز دنیا دارد، به طوری که مرزهای فرهنگی میان مسلمان و غیرمسلمان را درنور دیده است؛ در نتیجه لزوم حل و سامان یافتن آن، بیش از پیش احساس می‌شود.

بی‌شک، توجهی به پدیده بی‌حجابی و برخورد ساده‌انگارانه با آن، ممکن است نتایج نامطلوبی در پی داشته باشد.

پدیده حجاب و پوشش را می‌توان از سه منظر دینی و هویتی و سیاسی بررسی کرد، چراکه از یک سو دستور صریح دین مبین اسلام است و از سوی دیگر نماد فرهنگ و هویت ایرانی است، بنابراین ظرفیت سیاسی شدن را در خود دارد.